



علیرضا ذاکری

دایره‌رنگی...

روی خود ببندیم. آیا با تکیه به چند جمله ساده و خام، می‌توان خود و اعضای خانواده‌ی خود را در معرض تولیدات رنگارنگ عجیب صدها کشور قرار داد؟! چطور جرأت می‌کنیم با جمع خانواده، از خرد و کلان، فیلم‌ها و سریال‌هایی را به تماشا بنشینیم که نمی‌دانیم با چه اهدافی تولید و دوبله به فارسی شده‌اند؟!

متأسفانه تولیدات سینمای هالیوود در سال‌های اخیر، با کمترین استثناء، همواره با صحنه‌های زننده روابط خصوصی آدم‌ها ساخته می‌شوند. این در حالی است که پیش از این، فیلم‌های هالیوود از این حیث، کمی سالم‌تر بودند! این روند تولید در اکثر فیلم و سریال‌های طولانی که هرشب از ماهواره پخش می‌شوند دیده می‌شود. عمده داستان‌های این سریال‌ها به ماجراهای عشقی و روابط خصوصی زن و شوهرها و رابطه غیر اخلاقی دختر و پسر می‌پردازد. ماجرای خیانت به همسر و داشتن روابط نامشروع در اکثر این سریال‌ها تکرار می‌شود.

وقتی مخاطبان تلویزیون، داستانی را به مدت چند ماه، هر شب تعقیب می‌کنند، اتفاق ناصوابی ناخواسته در ذهن و تخیل بیننده نقش می‌بندد. در روانشناسی می‌گویند برای آن که امری در ذهن شما ملکه شود، باید حداقل ۲۱ روز به آن کار مداومت داشته باشید. سریال‌هایی که تا پنج ماه، هر شب پخش می‌شوند، چه تأثیر مخربی می‌توانند بر فرهنگ و اخلاقیات خانواده‌ها باقی بگذارند. کسانی که مخالف این دلایل هستند، کافی است تأثیر سریال‌های طنز را بیاد بیاورند که گوشش شخصیت این سریال‌ها به این زودی‌ها در تکیه کلام مردم، پاک نمی‌شود.

در روایتی از امیرالمؤمنین (ع) آمده است: «به زنان سوره یاسین یاد دهید که نورانیت فراوان دارد»

سخت‌گیری‌های دینی تا کجای کار را پیش‌بینی کرده است و برای سالم ماندن اعضای خانواده توصیه‌هایی تا این میزان موشکافانه ارائه داده است. اما هیئات از انتخاب‌های ما! فقط خدا می‌داند که تا چه میزان از دستورات بازدارنده دین‌مان دور شده‌ایم. انگار دست از اخلاقیات شسته‌ایم که تا این میزان لایق شده‌ایم. تلویزیونی که قبل از انقلاب در منابع و عاظ دینی از آن بد می‌گفتند و خطر آن را متذکر می‌شدند، شکل تکامل یافته بدی‌های آن تلویزیون، اکنون در قالب ماهواره و انبوه شبکه‌هایش تجلی یافته است! آن زمان می‌گفتند چرا باید بر پشت‌بام خانه یک مسلمان آنتن تلویزیون

بسم‌الله. پیش از این‌ها، در حریم خانواده‌های شریف ایرانی، در شب‌نشینی‌ها، وقتی که از خرد و کلان گرد هم می‌آمدند تا سخنی گفته شود و داستانی نقل مجلس شود، پدر بزرگ‌ها شاهنامه و مثنوی می‌خواندند. قصه‌های هزار و یک‌شب و افسانه‌های جادویی، جذاب‌ترین سرگرمی‌ها برای همه سنین بود. داستان «امیرارسلان نامدار» یکی از مشهورترین داستان‌های عامیانه ایرانی است و بیش از نیم قرن سینه به سینه، در شب‌های طولانی زمستان توسط بزرگان فامیل برای کودکان و نوجوانان، از حفظ نقل می‌شد. این قصه‌ها از حیث کشش داستانی و جذابیت در حدی بود که شنندگان این داستان‌ها، تا ماه‌ها سخت پیگیر ماجرا و سرنوشت شخصیت‌های این داستان‌ها بودند. داستان هزار و یک شب نیز، در اوج هوشمندی و اشراف به میل مخاطب در پیگیری داستان‌ها و ماجراهای ادامه‌دار و سریالی طرح ریزی شده بود. سال‌ها بعد رادیو با ورود به فرهنگ ایرانیان، توانست از جایگاه ویژه‌ای برخوردار شود. رادیو نیز به نوبه خود، با تولید داستان‌های دنباله‌دار، نقل محافل خانواده‌های ایرانیان شد. نگارنده بیاد دارد که شب‌های متوالی، همه اعضای خانواده‌ها پیگیر داستان‌های شب رادیو بودند و در روز بعد در خصوص چند و چون داستان شب قبل با هم حرف می‌زدند. اما در عصر حاضر، تلویزیون و ماهواره با تولیدات انبوه خود توانسته‌اند محوری‌ترین عنصر در جمع خانواده‌ها باشد.

به طور معمول مردم برای تربیت فرزندان‌شان، آن‌ها را در بهترین مدارس غیرانتفاعی ثبت‌نام می‌کنند تا محیط‌شان سالم و فرهنگی باشد! اما در اوج بی‌احتیاطی، پای ماهواره را در کانون خانواده خود باز می‌کنند و با جملاتی طولی‌وار که شنیده و آموخته‌اند، خود را قانع می‌سازند که اکنون عصر فضا است و نمی‌شود دنیا را به

بسیار موفق، سرگرم‌کننده و سالم خارجی، پس از دوبله در بخش خصوصی توزیع می‌شود. تلویزیون ایران در این میدان عقب مانده است. حیف است مخاطبان این سریال‌ها، برای دیدن این آثار به سوی ماهواره‌ها و دانلود اینترنتی کشیده شوند. در حالی که تلویزیون ایران می‌تواند با برنامه‌ریزی و آینده‌نگری، این آثار را در اختیار بگیرد. چنین به نظر می‌آید کم یا زیاد شدن مخاطب، برای مدیران این رسانه زیاد اهمیت ندارد. دلیل این مدعا، فاصله گرفتن سازندگان و کارگردان‌های قدیمی از تلویزیون است. آیا مردم باید آثار آن‌ها را از بخش خصوصی پیگیر شوند؟ بی‌شک با کلید خوردن این اتفاق، کارگردان‌های بعدی نیز به این شیوه کار کردن، روی خواهند آورد!

پی‌نوشت:

۱. داستان «امیراسلان نامدار» نویسنده: میرزا محمدعلی نقیب‌الممالک... نقیب‌الممالک داستان‌گوی (نقال‌باشی) ناصرالدین شاه قاجار بود و این داستان توسط فخرالدوله (دختر ناصرالدین شاه) ثبت شده است.

سازندگان سریال‌های ایرانی توان زیادی در جذب مخاطب ندارند. به عنوان مثال تا زمانی که سریال مختارنامه پخش می‌شد، مشتریان ماهواره کم شده بود. این سریال نشان داد که تلویزیون ایران می‌تواند مخاطب را نگه دارد. چرا این توان در دیگر سازندگان سریال‌های ایرانی نیست؟ همه دیدیم به محض پایان یافتن سریال قدرتمند مختارنامه، دوباره تلویزیون ایران، چیزی برای جذب گسترده مخاطب ندارد. شبکه مستند که عمر چندانی ندارد، در چند ماه اول فعالیتش که آزمایشی پخش می‌شد، کیفیت برنامه‌هایش قابل توجه بودند. اما به محض آن که رسماً فعالیتش شروع شد، کیفیت برنامه‌هایش به شدت افول کرد. اکنون تنها به بخش برنامه‌های تکراری شبکه چهار می‌پردازد. شبکه آی‌فیلم نیز، فقط سریال‌های تکراری قدیمی را در برنامه کاری خود قرار داده است. تنها شبکه نمایش هست که توانسته، در شبانه روز تعدادی فیلم قابل قبول نمایش دهد. این شبکه قابلیت بسیار بالایی دارد تا به عنوان انتخاب اول همه ایرانیان قرار گیرد.

چند سالی است که سریال‌های خوبی ساخته می‌شود. اما برخی از سازندگان موفق سریال‌ها، آثارشان را به تلویزیون ایران نمی‌دهند. بلکه این آثار موفق وارد شبکه خصوصی نمایش می‌شود. حتی سریال‌های

علم شده باشد. اما اکنون دیده شدن دیش ماهواره بر پشت بام خانه‌ها امری عادی است. حتی ممکن است اگر در جمعی بگویید که در خانه ماهواره ندارید، این حرف شما را باور نکنند!!
براستی چرا خود را فریب می‌دهیم و زمزمه‌های ناصواب شیطان را جدی می‌گیریم که همواره می‌گوید: «اکنون عصر تکنولوژی است و نمی‌شود ماهواره نداشت». مگر ماهواره با هزاران شبکه وسیع‌اش به شما اجازه می‌دهد چیزی فرا بگیرید؟! پیش از این و در شماره‌های پیشین گفته بودم. ماهواره دریا هست، اما به عمق نیم سانت!! این شبکه‌ها با ظاهری سرگرم‌کننده فعال هستند. ای کاش کمی شک می‌کردیم. چرا خارجی‌ها تا این حد به فکر ما هستند؟! چرا آن‌ها با صرف هزینه‌های گزاف برای ما، برنامه‌های تلویزیونی فارسی زبان تهیه و تولید می‌کنند؟! ■

حتماً از خود پرسیده‌اید چرا با آن که این تعداد شبکه تلویزیون داخلی داریم، اما باز هم این همه دیش ماهواره بر پشت‌بام خانه‌ها علم شده است؟ می‌گویند ماهواره برنامه‌های سرگرم‌کننده دارد... فیلم‌ها و سریال‌هایش، هر شبی و شبانه‌روزی است. شبکه‌هایی هستند که شبانه روز فیلم سینمایی پخش می‌کنند. مستندهای خوب نشان می‌دهند. این نکات برای کسانی که از تلویزیون توقع سرگرمی صرف دارند، دلایل کافی‌ای است. اما چرا صدا و سیما ایران این دلایل را تا حالا جدی نگرفته است؟! آیا باید پس از دو دهه از ورود ماهواره، فکری جدی برای رقابت برداشته شود؟! پس از سال‌ها، شبکه فیلم راه اندازی شده است. شبکه مستند هم داریم، شبکه‌ای هم برای نمایش سریال‌های تکراری! این سه شبکه، عمرشان بیشتر از شش ماه نیست!! پرسش بزرگ این است، چرا این قدر دیر؟! چرا این قدر سهل‌انگاری؟! بسیاری از مردم سال‌هاست با ماهواره خو گرفته‌اند و با افتخار می‌گویند ما تلویزیون ایران را نگاه نمی‌کنیم. این اتفاق نامیمون به عهده کیست؟! ■

اگر بخواهیم نقد جدی داشته باشیم، کیفیت عمده سریال‌های ایرانی، حتی توان سرگرم کردن و جذب مخاطب را هم ندارند. مدتی می‌گذرد که مدیران تلویزیون، با روشی بسیار ناشیانه، از سریال‌های ماهواره‌ای کپی‌برداری می‌کنند. بی‌پیریم که اکثر

